

ارتباط دلپذیر با خدا

علیرضا خزایی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - اصفهان



چکیده:

« آگاه باش که هر عملی از تو، در گرو نماز توست.»

امام علی (ع)

بزرگ خداوندی که ما را آفرید، ما را پرورش داد، ما را نگاهدارد، ما را بپرورشیم. بنابراین، هر کس به پهنای دلش و به اندازه فطرت الهی اش می تواند به خدا عشق بورزد. نماز سرچشمه همه خوبی ها و اصلی ترین نیاز انسان برای رسیدن به کمال است. کودکان به طور فطری ستایشگر ارزش ها و پاکی هایند. ما باید طریقه ستایشگری و طریقه عشق ورزیدن به خوبی ها و پاکی ها را به آنان بیاموزیم. باید فطرت پاک آنان را در جهت عشق ورزیدن به خدای یکتا به شیوه ای خاص (نماز) سوق دهیم. آن گاه که «پرنیاز» از طریق «نماز» با «بی نیاز» ارتباط برقرار نمود، نیرویی لذت بخش در درون خود احساس می کند که زندگی برایش زیبا می شود. او زنده است تا نمازی دیگر بخواند و آن گاه که نمازها و زیبایی های فزونی گرفت، اقیانوسی از آرامش در وجود او جاری می شود که دغدغه های زندگی را فراموش می کند. در این مقاله، پژوهشگر سعی کرده است با بررسی دیدگاه های مختلف درباره: « دوره های درک مفاهیم مذهبی کودکان»، «نماز و نیازهای جوان»، «برخی از آثار مهم نماز»، «شرایط و رویکردهای آموزش نماز»، با تأکید بر رویکرد الگویی، به نتایج دست یابد. از آن جمله: با توجه به تفاوت های فردی کودکان، به ویژه تغییرات تصورات آنان نسبت به خدا در قالب های خیال، انسان گونه، فوق انسانی و فوق طبیعی، نباید از همان ابتدای دعوت به نماز، انتظار داشته باشیم شور عارفانه ای در آنان ایجاد شود. پایدارترین و مؤثرترین نوع آموزش نماز، از رویکرد الگویی حاصل می شود. بدین معنی که کودکان بیش تر از طریق رفتار عینی بزرگ ترها می آموزند تا از طریق گفتار آنان. بنابراین بدون این که تحت فشار قرار گیرند، داوطلبانه، سریع و راحت از الگوهای رفتاری بزرگ ترها تقلید می کنند. به عنوان مثال: دانش آموزی با مشاهده این که معلمش نماز می خواند، ممکن است این رفتار معلم برای او با ارزش تلقی شود. او با دیدن افراد دیگری در جامعه که نماز می خوانند، این ارزش را برای خود مهم تلقی می کند. حال اگر خود به نماز خواندن مبادرت ورزد، و در موقعیت های مختلف به این عمل ادامه دهد، ارزش نماز خواندن در او درونی می شود. او این ارزش را همراه خود به اجتماعات دیگر می برد و بر ارزش های مثبت جامعه می افزاید.

نمی خواسته اند. باید فرصتی باشد برای تولد یافتن، زیبایی ها را دیدن، آرامش یافتن و دوباره زیستن. این فرصت زیبا، آرام بخش و حیات بخش، «نماز» است. نماز، زیباترین نوع ارتباط انسان با خداوند است که از آن به عنوان «ستون دین» یاد شده است. در این مقاله، سعی شده با توجه به ویژگی های شخصیتی متغیر کودکان و نوجوانان، به ویژه نیازهای خاص جوانان و دگرگونی در تصورات کودکان نسبت به خدا، رویکردهای مناسب و دلپذیر برای آموزش «نماز» ارائه گردد، تا «نماز»، این نیاز زیبای انسان به خالق یکتا، به صورت دلپذیر انجام پذیرد.

اهمیت موضوع

اذان، ترانه عشق است و نماز حقیقت عشق. (عباسی، ۱۳۷۹)

انسان به طور فطری ستایشگر ارزش ها، پاکی ها و فضیلت هاست. انسان ها، گرایش به زیبایی، حق خواهی و پارسایی دارند. خدا کمال محض است و همه پاکی ها، زیبایی ها و درستی ها را شامل می شود. باید به کودکانمان راه و رسم عشق ورزیدن به خدا را بیاموزیم. باز به این بهانه که عارفان بزرگ در این راه کم آورده اند، نباید راه را خیلی دشوار و صعب العبور نشان داد و بی جهت کودکان را دچار تردید و تزلزل کرد.

هر کس به پهنای دلش و به اندازه فطرت الهی اش می تواند به خدا عشق بورزد. همه ذرات هستی در عشق و پرستش خدا غوطه ورنند، و انسان هم به عنوان چهره برجسته آفرینش و امانت دار سترگ الهی حق دارد که دوستدار خدا باشد. متولیان تربیت دینی باید خدا را آن گونه معرفی کنند که بچه ها از صمیم دل او را دوست بدارند و از ایجاد پیوند با او لذت ببرند. (زرهانی، ۱۳۸۰)

امام علی - علیه السلام - فرموده: «آگاه باش که هر عملی از تو، در گرو نماز توست».

کسی که هر روز چندین بار دست از کار می کشد و با پروردگار خود راز و نیاز می کند، ارتباط منظم خود را با خالق خویش حفظ می کند. آثار این ارتباط منظم را می توان به وضوح در رفتار و گفتار نمازگزاران واقعی مشاهده کرد. (عطاری، ۱۳۸۰)

مادرم، آن گاه که به اقامه نماز می ایستی، حنجره ات با زیباترین واژه الله اکبر، بسته ترین پنجره ها را باز می کند. خونم



مقدمه:

هم رحیم هستی و رحمانی مرا
 حی داور، رب سبحانی مرا
 دم به دم جان می دمی در پیکرم
 من همه هیچم ولی جانی مرا
 ریشه هستم یا همه اندیشه ام
 من نمی دانم ولی دانی مرا
 تا رها گردد ز خود هر دم «رها»
 وامنه بر خویشتن آنی مرا
 «علیرضا خزانی متخلص به رها»

در این دنیای پریچ و خم که هر روز بر پیچیدگی آن افزوده می شود، هر کسی در پی آن است که چگونه راه را به پایان برساند. دیگر، فرصت ندارند تا عشق را، و محبت و دوستی را در یابند، یا در دیگران تماشا کنند. گویی عنان اختیار از آنان ربوده شده، مسیری را طی می کنند که

کودکان در دو سال نخست دبستان می‌شود. در این دوره تفکر دینی کودکان دو ویژگی عمده دارد:

۱- خود محور بودن^۱

۲- تک‌کانونی بودن^۲

خود محوری بدین معناست که داوری‌های کودک صرفاً از نظر گاه خود او صورت می‌گیرد. او نمی‌تواند خود را به جای دیگران بگذارد و از چشم آنان به قضیه بنگرد.

تک‌کانونی بودن یعنی یک جنبه از یک حادثه را جدا می‌کنند، و نه جنبه مهمی از آن را. به خدا در قالب‌های بسیار انسان‌گونه نگریسته، آشفته‌گی زیادی در ذهن کودک درباره خدا وجود دارد. مثل این که او تصور می‌کند خدا در بهشتی زندگی می‌کند که در آسمان‌ها قرار دارد، او نیز گرسنه می‌شود و غذا می‌خورد و خداوند مردم را به دو دسته خوب‌ها و بد‌ها تقسیم می‌کند. (باهنر، ۱۳۷۱)

هنوز هم کودکانی با این تصور بزرگ می‌شوند که انگار «خداوند موجودی است با قد و قامت رشید و چهره‌ای مهیب که در آسمان‌ها بر تختی نشسته، به هر کاری که بخواهد دست می‌زند و عده‌ای را بدبخت و برخی را خوشبخت می‌کند.» (زرهانی، ۱۳۸۰)

از گرمی خورشید گرم‌تر، در رگ‌هایم می‌جوشد و می‌خواهم جانم را دو دستی ارزانی تو بدارم. چادر بهار گونه‌ات به رعنائی قامتت می‌افزاید. گویی خوبی تو را می‌خواهد و بهشت را برایت به ارمغان می‌آورد. (پورقدیمی، ۱۳۷۹)

نخستین نماز، از خاطره‌انگیزترین لحظه‌های زندگی هر انسان است. ایستادن و با خدا سخن گفتن، فرصت شکفتن روح، پرواز در بی‌کرانگی و پیوند دل و جان با ملکوت است. (رحمتی، ۱۳۷۹)

مادرم، آن‌گاه که به اقامه نماز می‌ایستی، از نغمه‌های شیرین نمازت به وجد و طرب درمی‌آیم و به وجاهت و وقار تو می‌نازم. (پورقدیمی، ۱۳۷۹)

نماز، سرچشمه همه خوبی‌هاست و اصلی‌ترین نیاز انسان برای رسیدن به اوج کمال و عروج از جاذبه‌های مادی به سوی قرب الهی است. نماز آینه پاک و صافی است که انسان مؤمن روح خود را در برابر آن می‌آراید و دل خود را جلا می‌دهد و سپس در برابر پروردگار یکتا سر تعظیم و تسلیم فرود می‌آورد. (نجفی، ۱۳۷۹)

بزرگ خداوندی که ما را آفرید، محبت خود را در دل ما نهاد و باعث شد که او را بپرستیم تا روحمان بزرگ و بزرگ‌تر شود. (خدا بخشی، ۱۳۷۹)

دوره‌های درک مفاهیم مذهبی در کودکان

دوره کودکی اول (تولد تا ۴ سالگی)

مرحله‌ای است که کودک در آن موجودی کاملاً وابسته است و بیش‌ترین زمان عمرش را در آغوش مادر یا در کنار او می‌گذراند. توان تقلید از ماه چهارم ولادت به صورت بسیار ضعیف در کودک ظاهر می‌شود، ولی در پایان این مرحله شدیداً قوت می‌گیرد. کودک دوست دارد از والدین و مخصوصاً از مادر و بعدها از پدر خود تقلید کند. به اعمال عبادی مادر، به خم و راست شدن او، در حین نماز، حساس است. دوست دارد چون او عمل کند، همانند او لب بجنباند و ذکر گوید و این خود یک فرصت مقدماتی برای دعوت به تقلید نماز است. (قائمی، ۱۳۷۵)

دوره کودکی دوم (۴-۷ سالگی)

این دوره شامل خردسالان، یعنی کودکان پیش دبستانی و حتی

کودک دوست دارد از والدین و مخصوصاً از مادر و بعدها از پدر خود تقلید کند. به اعمال عبادی مادر، به خم و راست شدن او، در حین نماز، حساس است. دوست دارد چون او عمل کند، همانند او لب بجنباند و ذکر گوید و این خود یک فرصت مقدماتی برای دعوت به تقلید نماز است.

کودکان در این سنین بسیاری از واژه‌های مذهبی را به کار می‌برند، اما معنی آن را در نمی‌یابند. (باهر، ۱۳۷۱)

دوره کودکی سوم (۷-۹ سالگی)

در این دوره کودک به سوی تفکر عملیاتی حرکت کرده، به مراتبی از تفکر عینی دست می‌یابد. تفکر عینی کودک دارای این مزیت است که درکش از اندیشه‌های مذهبی، کم‌تر رنگ خیال دارد و دیگر آن که تصورات مذهبی را که غالباً انتزاعی‌اند، به همان معنای تحت اللفظی معنا می‌کند. یکی از کودکان که مورد سؤال «گولدمن» قرار گرفته بود، در پاسخ به این سؤال که: منظور از این گفته مسیح - علیه السلام - که انسان نمی‌تواند با نان خالی زنده بماند چیست؟ بیان داشت: یعنی باید با نان، چیز دیگری مثل کره هم خورد. در حالی که منظور اصلی این عبارت احتیاج بشر به معنویات است. کودک نکته اصلی را در نیافته است، چرا که اسیر تفکر عینی است. تصویری خدا نیز بیش‌تر فوق انسانی است تا فوق

طبیعی، او در آسمان زندگی می‌کند و گاهی نیز به زمین سر می‌زند. خدا قدرتمند، اما رفتارش غیر قابل پیش‌بینی است. (باهر، ۱۳۷۱)

عشق به خدا و دوستداری او در آنان قوی می‌شود. آن‌ها تدریجاً دریافته‌اند که در عین مهر و محبت، حسابرسی، کیفر و عقوبت هم دارد. روایات اسلامی ما والدین را به درخواست اقامه نماز از فرزندان در این سنین دعوت می‌کنند. در همه حال در واداشتن کودک به نماز و عبادت، وضو ساختن و... اصل بر مدارا، لطف، تحمل، تدریج و مداومت است. (قائمی، ۱۳۷۵)

دوره کودکی چهارم (۹-۱۲ سالگی)

تفکر عینی در فهم مواد مذهبی تا سن عقل (۱۳ سال) غالب است. به طور تقریبی می‌توان گفت که این دوره بین خیالپردازی و منطق بزرگسالان قرار دارد. در این دوره تحول کیفیت تفکر درباره خدا را می‌توان عبور از تصویر فوق



انسانی به فوق طبیعی دانست. قدرت الهی هنوز متأثر از مصادیق فیزیکی است. ارتباط کودک با خدا با نوعی ترس در برابر گناهانی که انجام داده است، همراه می‌باشد. تصور آنان از شیطان این است که شیطان موجودی شریر است که در ورای تمام بدی‌های آدمی می‌توان جای پای او را یافت. معبد و مساجد به نظر آنان مفاهیم کودکانه خود را از دست داده، به عنوان مکان عبادتی که بزرگسالان برای شناخت بیشتر خدا و پیامبر و دستورهای دینی به آن جا می‌روند، تبدیل می‌شود. این مکان‌های مقدس، کودکان را در جهت نیکوتر شدن مدد می‌نمایند. (باهنر، ۱۳۷۱)

اگر درباره نماز با کودک بحث شود می‌تواند آن را در یابد و باور کند، یا اگر از پاداش و کیفر خداوند برای او سخن بگوییم، به خاطر وصول به لذات بهستی و دوری از عقاب‌های احتمالی خداوند حاضر است نماز بخواند. اغلب عبادات او از نوع تجارت با خدا و نوعی بده و بستان به حساب می‌آید و هنوز در شرایطی نیست که عبادتی ناشی از عرفان داشته باشد.

شور مذهبی، مخصوصاً در ارتباط با جنبه الگویی والدین، در کودک پدید می‌آید و این شور در سنین بلوغ می‌تواند با شعور در آمیزد و پایه‌ای برای تمام عمر باشد. (قائمی، ۱۳۷۵)

نماز و نیازهای جوان

۱- نیاز به خلوت

انسان در خلال فعالیت‌های خود، نیاز به فرصتی برای خلوت باخویشتن دارد تا «خود» را بیابد، توان جدیدی کسب کند و با نشاط و شور بیش‌تری به زندگی بپردازد. «نماز»، به «نیاز به خلوت» انسان، جهت می‌بخشد. چنین خلوت روح بخشی است که به سایر بخش‌های زندگی انسان، نیرو و انگیزه می‌دهد. (شرفی، ۱۳۷۹)

۲- نیاز به ارتباط با جهان هستی

انسان، به ویژه جوان، علاقه‌مند است نسبت خویش و جهان هستی را بداند و احساس همدلی با جهان بیرون از وجود آدمی، انسان را ارضا می‌کند. در غیر این صورت احساس غربت و تنهایی درونش را می‌فشارد. احساس همنوایی با جهان و احساس عبودیت در پیشگاه خداوند،

انسان در خلال فعالیت‌های خود، نیاز به فرصتی برای خلوت باخویشتن دارد تا «خود» را بیابد، توان جدیدی کسب کند و با نشاط و شور بیش‌تری به زندگی بپردازد. «نماز»، به «نیاز به خلوت» انسان، جهت می‌بخشد. چنین خلوت روح بخشی است که به سایر بخش‌های زندگی انسان، نیرو و انگیزه می‌دهد.

همچون داربست محکمی است که تعادل او را در برابر دنیای پرتلاطم حفظ و برقرار می‌کند. (شرفی، ۱۳۷۹)

۳- نیاز به تبیین غایت زندگی

جوانان بارها و بارها به «چرایی زندگی» می‌اندیشند و این واقعیت را نیز باور دارند که «چگونگی زندگی» از «چرایی زندگی» بر می‌خیزد. در برخی از تعبیر قرآنی، خداوند، آدمی را به معامله و تجارتي سود بخش فرا می‌خواند که سود آن را تضمین کرده است. بر مبنای همین رویکرد قرآنی است که جوان به جای عقب‌نشینی از زندگی و نظاره‌گر رویدادها بودن، به حضور فعال در زندگی دعوت می‌شود.

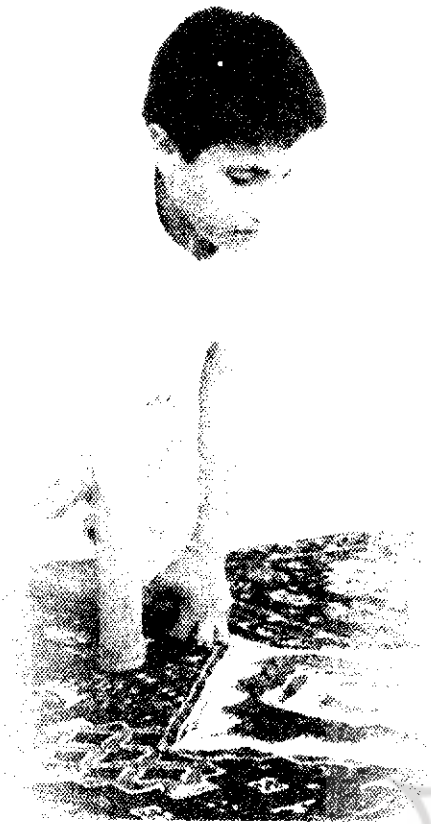
ساحل افتاده گفت: گرچه بسی زیستم

هیچ نه معلوم گشت آه که من کیستم

موج خروشنده‌ای تیز خرامید و گفت

هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم.

(شرفی، ۱۳۷۹)



جوانان در پی دست یافتن به بینشی پویا و جدید نسبت به زندگی‌اند و برای دستیابی بدان هر تلاشی را پذیرا می‌باشند. از جمله عواملی که در بینش نسل جوان، چنین تحولی به وجود می‌آورد، راز و نیاز با خدا، نیایش با او و احساس رضایت از همدلی با قادر متعال است. «ویلیام جیمز» روان‌شناس و فیلسوف مکتب پراگماتیسم معتقد است: «وقتی که خدا را در همه چیز می‌بینیم، در پست‌ترین چیزها، عالی‌ترین حقایق را خواهیم یافت و حقیقتاً که دنیا، دنیای دیگری جلوه خواهد کرد.» وی در ادامه سخنانش می‌افزاید: «قیافه دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می‌کند.» (شرفی، ۱۳۷۹)

«دورکیم»^۳ معتقد است: مؤمنی که با خدا راز و نیاز می‌کند، نه تنها انسانی است که به حقایق جدیدی دست می‌یابد، بلکه انسانی است که خود را قدرتمند احساس می‌کند. او در درون خود نیروی بیش‌تری احساس می‌کند و توانایی بیش‌تری در غلبه بر سختی‌ها و مشکلات دارد. به نظر او، عملکرد تسکینی دین، به ویژه در ایام نومیدی، دارای اهمیت بسیار است. به همین خاطر، در بین افراد دیندار، کم‌تر جرم و جنایت، خودکشی، بزهکاری و... مشاهده می‌شود. (خزائی، ۱۳۸۰)

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید: یکی از نشانه‌های افراد با ایمان آن است که: «خدا در نظرشان بزرگ و عظیم است و آن چه غیر خداست در نظرشان کوچک و حقیر می‌باشد.» (شرفی، ۱۳۷۹)

اتصال با روح عالم خلقت یا جان جانان، کاری است با اثر و نتیجه، نتیجه آن عبارت است از ایجاد یک جریان قدرت و نیرویی که به طور محسوس، دارای آثار مادی و معنوی می‌باشد.» (شرفی، ۱۳۷۹)

برخی از آثار مهم نماز

۱- تمرکز عالی فکر

«پل ژاگو» روان‌شناس فرانسوی معتقد است: «تمرکز فکری، عبارت از متوجه ساختن و ثابت نگاه داشتن فکر بر یک تصویر یا مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و افکار است.» «نماز» موقعیتی می‌آفریند که ذرات پراکنده فکر آدمی، حول محور یاد خدا، تمرکز می‌یابد. زیرا در نماز پیوسته‌اندیشه متوجه خداست و میزان قبولی نماز، آن مقداری است که با حضور قلب همراه باشد. چنان چه در نماز، آدمی چشم به محل سجده‌اش بدوزد، از نگاه به اطراف خود باز می‌ماند و اگر قبل از آغاز نماز بیندیشد که می‌خواهد در محضر چه بزرگی، حاضر شود، بر تمرکز فکرش خواهد افزود. و این‌ها همه زمانی حاصل می‌شود که نماز نزد انسان، بزرگ و عظیم تلقی شود. (شرفی، ۱۳۷۹)

۵- نیاز به خویشتن‌داری

بردباری و تحمل مشکلات از ویژگی‌های مهم اخلاقی است. زمانی که در نماز به ذکر آیه شریفه سوره حمد «ایاک نعبد و ایاک نستعین»^۴ مشغولیم، به مصداق این آیه، فقط او را می‌پرستیم و فقط از او یاری می‌خواهیم. این امر هم جنبه تلقینی دارد و نیروی ایمان را در پرتو تلقین، تقویت می‌کند و هم جنبه شناختی دارد، یعنی در عمل نیز به هیچ نیرویی جز خداوند اتکا نداشته و نداریم و از کسی جز او در عمل کمک نمی‌خواهیم. (شرفی، ۱۳۷۹)

«ویلیام جیمز» چنین می‌گوید: «اگر نیرویی برای تحمل پشمادها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می‌آید.» وی هم چنین متذکر می‌شود: «دعا و نیاز یا به عبارت دیگر

جوانان در پی دست یافتن به بینشی پویا و جدید نسبت به زندگی اند و برای دستیابی بدان هر تلاشی را پذیرا می‌باشند. از جمله عواملی که در بینش نسل جوان، چنین تحولی به وجود می‌آورد، راز و نیاز با خدا، نیایش با او و احساس رضایت از همدلی با قادر متعال است.

۲- تعمیق دقت

چنان چه فکر یا عملی که فرد را به خود مشغول می‌کند، از جاذبه مناسبی برخوردار باشد، به میزان کافی، دقت وی را به خود معطوف خواهد کرد. اگر نماز در دیده نمازگزار، عملی جذاب به نظر آید، می‌تواند در جذب دقت او مؤثر واقع شود، به گونه‌ای که در حال نماز، به هیچ موضوع دیگری، توجه وی معطوف نشود. ذکر دو مثال تاریخی به لطف این مطلب خواهد افزود:

«زمانی که تیری در پای مبارک حضرت علی (ع) رفته بود و آن را در حال نماز، بیرون آوردند، گفتند: چنین حال بر تو رفت و تو را خبر نبود. امام گفت: اندر آن ساعت که من به مناجات الله باشم، اگر جهان زیرورو شود یا تیغ و سنان در من زنند، مرا از لذت مناجات الله از درد تن خبر نبود.»
«سعید بن جبیر» می‌گوید: «چهل سال نماز خواندم و در حال نماز کسی را که در جانب راست یا چپم بود، نشناختم.» (شرفی، ۱۳۷۹)

۳- تعلق به عالم هستی

ارتباط با خدای متعال، آدمی را از سرگردانی و احساس بی‌وزنی در عالم رها می‌سازد و احساس اتکا به خالق هستی را در وجود انسان لبریز می‌کند. «الکسیس کارل» معتقد است: «نیایش اصولاً کشش روح است به سوی کانون غیر مادی جهان.» نماز پاسخی به نیاز انسان امروز است، انسانی که می‌کوشد میان خود و عالم هستی رابطه‌ای اقیانوس‌کننده برقرار کند. (شرفی، ۱۳۷۹)





۴- آرامش روح و روان

فرا تر از «من» و «ما» است بیندیشیم.»
 نماز، این زیباترین پیوند انسان زمینی با معبود آسمانی، انسان را از «خود» فراتر می‌برد. زیرا روح نماز، زمانی حاصل می‌شود که آدمی، تمام توجه و دقت خود را معطوف به پروردگار خود نماید و از «خود» رها شود. (شرفی، ۱۳۷۹)

در نماز حداقل سه مطلب حائز اهمیت است: بی نیاز، پرنیاز و نیاز (نماز). و این سه با هم سنخیتی دارند که وقتی با هم مرتبط می‌شوند، اقیانوسی از آرامش در درون آدمی سرازیر می‌کنند. اگر موحدان نمازگزار را بنگریم که هرگز حوادث روزگار روح پر صلابت آنان را به اهتزاز در نمی‌آورد، جای تعجب نیست، زیرا پیوستن به خدا از طریق نماز، جایی برای دغدغه‌های درونی باقی نمی‌گذارد. (شرفی، ۱۳۷۹)
 به طور کلی فرد مؤمن در مراحل مختلف زندگی از طریق «ذکر، عبادت، صبر، توکل، تسلیم و رضا» بهره می‌جوید. در نتیجه ملاحظه می‌شود که جوامع مذهبی از آرامش روانی بیش تری برخوردارند و جوامع غیر مذهبی کم تر از این آرامش برخوردارند. (شریعتی، ۱۳۷۰)

۶- تقویت روح مرد مگرا

در برخی عبارات سوره حمد از ضمیر «جمع» به جای «مفرد» استفاده می‌شود، نظیر «فقط تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌طلبیم»، «ما را به راه راست هدایت کن». روح حاکم بر این عبارات، روح جمع‌گرایی و «مردم‌گرایی» است. بدین معنا که نمازگزار، تنها برای خود و به نفع خود، چیزی را از خداوند در خواست نمی‌کند، بلکه او برای «همه» می‌طلبد و درباره همه از درگاه خداوند آرزایی چون «صراط مستقیم» و توفیق گام نهادن در آن را می‌طلبد. (شرفی، ۱۳۷۹)

۵- شخصیت از خود فرارونده

«دو آن شولتس» می‌گوید: «شخصیت آدمی، زمانی به کمال می‌رسد که از دایره تنگ و محدود «خود» رها و آزاد شود تا بتواند به مرزهای بالندگی شخصیت دست یابد.»
 «اریک فروم» روانکاو و منتقد اجتماعی معاصر معتقد است: «تراژدی عصر ما این است که آن چنان گرفتار «خود شیفتگی» هستیم که مجالی پیدا نمی‌کنیم تا به چیزهایی که

۷- تبیین راه زندگی

نماز گزار با یقین به این مطلب که عبادت، جوهره دین است و نماز ستون دین می‌باشد و او قادر است با انجام فریضة نماز، رضایت پروردگار را جلب نماید، نوعی اطمینان

نماز، یکی از مؤثرترین و مطمئن ترین شیوه های مقابله با آسیب های اخلاقی است. از یک سو، نمازگزار با درک رابطه اش با خدا، از نسبت و رابطه موجودی بی نهایت کوچک با بی نهایت بزرگ آگاه شده، در محضر چنان بزرگی گناه نمی کند، زیرا گناه به معنای شکستن حدود و حریم الهی است و از سوی دیگر، چون خود را از همه ابعاد نیازمند به خداوند می بیند، سعی دارد تا رابطه خویش با خدا را با ارتکاب گناه، از بین نبرد.

و آرامش برایش حاصل می شود. دیگر از کم و زیاد زندگی هراس به خود راه نمی دهد، زیرا اگر خدا از آدمی راضی شود، در حقیقت فرد به خیر کثیر دست یافته است. زیرا قرآن فرموده است: « و رضوان من الله اکبر »^۵ یعنی جلب رضای پروردگار از هر چیزی بزرگ تر و برتر است. (شرفی، ۱۳۷۹)

۸- سپردفاعی

نماز، یکی از مؤثرترین و مطمئن ترین شیوه های مقابله با آسیب های اخلاقی است. از یک سو، نمازگزار با درک رابطه اش با خدا، از نسبت و رابطه موجودی بی نهایت کوچک با بی نهایت بزرگ آگاه شده، در محضر چنان بزرگی گناه نمی کند، زیرا گناه به معنای شکستن حدود و حریم الهی است و از سوی دیگر، چون خود را از همه ابعاد نیازمند به خداوند می بیند، سعی دارد تا رابطه خویش با خدا را با ارتکاب گناه، از بین نبرد. (شرفی، ۱۳۸۰)

ادامه دارد

پی نوشت ها:

- 1- EGOCENTRIC
- 2- MONOFOCALISM
- 3- EMILE DURKEIM

۴- سورة حمد، آیه ۴

۵- سورة توبه، آیه ۷۲

منابع:

- باهنر، ناصر (۱۳۷۱): «آموزش معارف دینی به کودکان»، مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، تهران انتشارات تربیت، صص ۶۳-۶۲.
- پورقدیمی، میترا (۱۳۷۹): «مادرم وقتی به نماز می ایستی»، حقیقت عشق، مجموعه مقالات ممتاز دانش آموزان دختر دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی کشور پیرامون نماز، تهران، انتشارات عابد، صص ۵۳-۴۶.
- خدابخشی، سریرا (۱۳۷۹): «نماز چشمه ای جوشان است»، حقیقت عشق، مجموعه مقالات ممتاز دانش آموزان دختر دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی کشور پیرامون نماز، تهران، انتشارات عابد، صص ۱۰۶.
- خزانی، علیرضا (۱۳۸۰): «نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه»، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، صص ۱۳۸-۱۲۸.
- رحمتی، فاطمه (۱۳۷۹): «صبحی که اولین بار به نماز ایستادم»، حقیقت عشق، مجموعه مقالات ممتاز دانش آموزان دختر دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی کشور پیرامون نماز، تهران، انتشارات عابد، صص ۱۵.
- زرهانی، احمد (۱۳۸۰): «مروری بر عوامل مؤثر در تربیت دینی با تأکید بر روش آموزش مشارکتی و فعال»، نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، سال دهم، شماره ۱۸۰، صص ۲.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰): «مبانی و آثار روان شناختی نماز»، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال شانزدهم، شماره های دی ۱۳۷۹، صص ۱۴؛ بهمن ۱۳۷۹، صص ۲۵-۲۳؛ اسفند ۱۳۷۹، صص ۴۱-۳۸؛ اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۱۷.
- شریعتی، سید صدرالدین (۱۳۷۰): «نقش ایمان در مقابله با فشار روانی»، مجموعه مقالات سمینار استرس و بیماری های روانی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۱.
- عباسی، سعیده (۱۳۷۹): «نماز حقیقت عشق است»، حقیقت عشق، مجموعه مقالات ممتاز دانش آموزان دختر دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی کشور پیرامون نماز، تهران، انتشارات عابد، صص ۳۵.
- عطاری، سیداحمد (۱۳۸۰): «راهکارهای عملی برای جذب فراگیران به نماز»، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال شانزدهم، صص ۷۹.
- قائمی، علی (۱۳۷۵): «اقامة نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، ستاد اقامة نماز، صص ۶۶-۱۰.